

Criteria and Principles for Recognizing the Starting Points of Hajj and Their Parallels from the Perspective of Islamic Denominations Jurisprudence¹

Mohammad Hoseyn Dorafshan* Mahdi Dargahi**

Hoseyn Rajabi* Mohammad Hoseyn Fallahzadeh******

(Received on: 2017-04-10; Accepted on: 2018-08-28)

Abstract

Criteria and principles of recognizing the parallels of the starting points of Hajj, as one of the first issues in the book of Al-Hajj, is a topic on which the views are not very clear from the perspective of Islamic denominations jurisprudence and no comprehensive and integrated research has been done. Therefore, the question of the criteria and principles for recognizing the parallels of the starting points of Hajj and Umrah from the perspective of Islamic denominations jurisprudence is an issue that needs to be explored until a suitable answer is found. The discrepancy between Islamic jurists in adopting different principles and criteria for imagining the parallels of the starting points of Hajj has led to differences in their rulings about distinguishing the parallels of the starting points of Hajj. According to the author's reviews, there are seven principles and criteria in this regard. Analysis of these theories and also the review and critique of their arguments show that a combination of the criteria of circles and valleys can be the best and only way to explain the parallels of the starting points of Hajj correctly, of course, by knowing the latitude and longitude and expert guidance. This research has been carried out with the aim of understanding the statements and views of the jurists of Islamic denominations and the limits of the principles by correctly explaining the parallels of the starting points of Hajj. Achieving this goal is possible in the light of describing and analyzing the propositions of the jurisprudence of Islamic denominations by collecting library data, the result of which is to identify a correct and accurate criterion of the parallels of the starting points of Hajj, and to explain it in the form of some geometric shapes.

Keywords: Parallels of the Starting Points of Hajj, Circle of the Starting Points of Hajj, Wall of the Starting Points of Hajj, Islamic Denominations.

1. This article is taken from: Mohammad Hoseyn Dorafshan, "Analysis of Arguments and Principles of Ihram from the Parallels of the Starting Points of Hajj from the Perspective of Jurisprudential Denominations", 2017, PhD Thesis, Supervisor: Mahdi Dargahi, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Comparative Studies of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mhdorafshan@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Jurisprudence, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author), aghigh_573@yahoo.com.

*** Assistant Professor, Department of Jurisprudential Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, drhossinrajabii@gmail.com.

**** Level four Graduate, Qom Seminary, Qom, Iran, info@mozooshenasi.ir.

معیار و مبانی تشخیص محاذات مواقیت از منظر فقه مذاهب اسلامی^۱

محمدحسین درافشان*

مهدی درگاهی** حسین رجبی*** محمدحسین فلاح زاده****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۶]

چکیده

معیار و مبانی تشخیص محاذات مواقیت، یکی از مسائل نخستین در کتاب الحج، از جمله مباحثی است که دیدگاه‌ها درباره آن از منظر فقه مذاهب اسلامی چندان هویدا نیست و تحقیق موسعی در این باره صورت نگرفته است. از این رو، پرسش از معیار و مبانی تشخیص محاذات مواقیت برای احرام در حج و عمره از منظر فقه مذاهب اسلامی، نیازمند بررسی است. اختلاف فقهای اسلامی در اتخاذ مبانی و معیارهای متفاوت در تصور محاذات مواقیت، اختلاف فتاوی آنان در تشخیص محاذات مواقیت را در پی داشته است؛ تا جایی که تتبع نویسنده مبانی و معیارهای هفت‌گانه در این زمینه را نشان می‌دهد. واکاوی این نظریه‌ها و بررسی و نقد ادله آنها نشان می‌دهد که تلفیقی از معیار دایره‌ای و وادی‌ها، می‌تواند بهترین و یگانه‌ترین راه تبیین صحیح محاذات مواقیت، البته با اطلاع از طول و عرض جغرافیایی و راهنمایی‌های اهل خبره باشد. این تحقیق با هدف شناخت اقوال و انظار فقهای مذاهب اسلامی و حدود و ثغور مبانی با تبیین صحیح محاذات مواقیت انجام شده، و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی، با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه‌اش تشخیص معیاری صحیح و دقیق از محاذات مواقیت همراه با تبیین و توضیح آن در قالب برخی اشکال هندسی است.

کلیدواژه‌ها: محاذات مواقیت، دایره میقاتی، جدار میقاتی، مذاهب اسلامی.

۱. برگرفته از: محمدحسین درافشان، تحلیل ادله و مبانی احرام از محاذات مواقیت از منظر مذاهب فقهی، رساله دکتری، استاد راهنما: مهدی درگاهی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۶.

* دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

mhdorafshan@gmail.com

** استادیار گروه فقه و اصول جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). aghigh_573@yahoo.com

*** استادیار گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. drhossinrajabii@gmail.com

**** دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران. info@mozooshenasi.ir

مقدمه

«میقات» به مکانی اطلاق می‌شود که احرام، به عنوان اولین عمل در حج و عمره، بایستی در آن مکان صورت پذیرد. بنا به اعتقاد مسلمانان، تحقق وعده الاهی برای گام‌نهادن در حرم‌الله، ضرورتاً از آن مکان آغاز می‌شود و عبور از آن مکان‌ها بدون احرام برای ورود به حرم امن الاهی و مکه مکرمه، در فقه اسلامی، جایز نیست؛ و مسلمانان از اقصا نقاط چنانچه قصد ورود به مکه و حرم امن الاهی را داشته باشند، باید از این مواقیت تعیین شده مُحرَم شوند. این اماکن، بنا بر نص شریعت اسلام، عبارت‌اند از: ۱. مسجد شجره یا منطقه ذوالحلیفه، بنا بر اختلاف فقهی در آن، برای اهل مدینه؛ ۲. وادی عقیق، برای اهل عراق و نجد؛ ۳. جُحُفَه، برای اهل شام، مصر و مغرب؛ ۴. یَلَمَم، برای اهل یمن؛ ۵. قَرْن المنازل، برای اهالی طائف. در تمام مواقیت مذکور، کسانی هم که از آن سمت قصد ورود به مکه را دارند باید در آن مکان محرم شده و به حرم الاهی وارد، و به مکه داخل شوند. این مواقیت، با نشانه‌هایی همچون ساخت مسجد یا نصب علامت‌هایی در آن محل از دیرباز تاکنون به همت مسلمانان محفوظ گشته و عبور و مُحرَم شدن بنا بر نظر فقه اسلامی صورت پذیرفته است. حال اگر مسلمانی از طریقی غیر از مسیرهای مذکور، قصد ورود به مکه و حرم الاهی را داشته باشد، در فقه اسلامی به عنوان عبور از محاذات مواقیت محل بحث قرار گرفته است. فارغ از اختلاف فقهی در مجازبودن یا نبودن عبور از محاذات مواقیت و محرم شدن از آن، که خود بحث فقهی جدا و مفصلی است، آنچه در این تحقیق بررسی می‌شود، معیار و مبانی تشخیص محاذات مواقیت در اندیشه فقه اسلامی است.

تبیین مفهومی «میقات» و «محاذات»

مفهوم «میقات»

«میقات»، مصدر و در اصل از «مَوَاقِت» است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳/۱۸۵)؛ «میقات، زمان معین برای انجام دادن کاری است که مجازاً بر مکان اطلاق شده، مانند: «مواقیت الحج»؛

یعنی مکان‌های معین که احرام حج در آن منعقد می‌گردد» (طریحی، ۱۴۰۸: ۲۲۷/۱). به عقیده برخی از اربابان لغت، «میقات»، هم اسم زمان و هم اسم مکان است (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۷۰/۱) و استعمالش در جای‌ها و مواضع، به نحو حقیقت است. همان‌طور که استعمالش در وقت و مقداری از زمان حقیقت است (فیروزآبادی، ۱۳۲۹: ۲۱۶/۱). البته برخی معتقدند استعمال «میقات» در اسم مکان، استعاره و مجاز بوده (طریحی، ۱۴۰۸: ۲۲۷/۱) و در اثر کثرت استعمال برای اماکنی خاص که مسلمانان در آن ملزم به احرام‌اند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۸: ۱۹۹/۵) برای اسم مکان نیز حقیقت است.

در اصطلاح فقهی، مراد از «میقات» مکان‌هایی است که شارع مقدس آنها را برای احرام مشخص کرده است (نجفی، ۱۳۱۱: ۱۰۲/۱۸)؛ و اجمال آن پیش‌تر در مقدمه گذشت. البته استعمال «میقات» به معنای اسم زمان، در اصطلاح فقهی باید با اضافه به واژه «زمانی» با کاربرد «میقات زمانی» صورت گیرد و مراد از آن، زمان احرام است که برای حج تمتع، افراد و قران، ماه‌های شوال، ذی‌قعدة و نُه روز ابتدایی از ذی‌حجه است (مروارید، ۱۴۱۰: ۶۶۶/۸؛ ابن‌ادریس، بی‌تا: ۵۰۹؛ ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۲۷۲).

مفهوم «محاذات»

«محاذات» در لغت از «حاذاة» است یعنی در ازای آن و به جای آن (ابن‌منظور، ۲۰۰۳: ۱۷۰/۱۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۴)؛ و وقتی گفته می‌شود «حذاء الشی» یعنی در مقابل آن چیز (ابن‌اثیر، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۴)؛ و «محاذی» یعنی روبه‌رو، رویارو، مقابل و موازی (همان: ۲۲۸/۴؛ طریحی، ۱۴۰۸: ۹۷/۱)؛ و «محاذات» یعنی مقابل چیزی قرارگرفتن و برابر هم قراردادن (ابن‌منظور، ۲۰۰۳: ۱۷۰/۱۴).

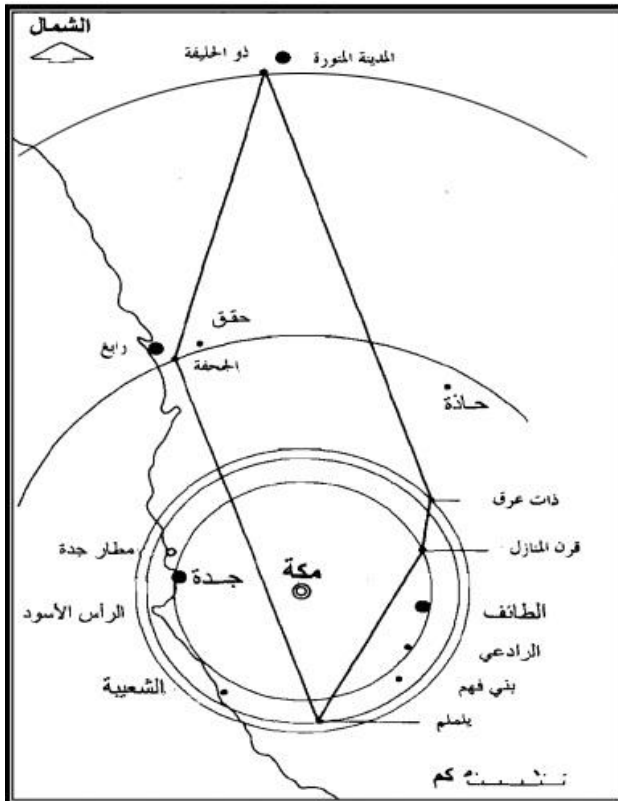
«محاذات» در اصطلاح فقهی، بنا بر مبنا و معیار تشخیص آن به معانی مختلفی آمده است؛ برخی معتقدند اگر دو چیز در دو مکان به طوری باشند که از نظر جهت مختلف نباشند، «محاذات» اند (وزاره الأوقاف والشئون الإسلامیة الكويت، بی‌تا: ۱۶۶/۳۸)؛ در توضیحی بیشتر «محاذات» مکانی در مقابل و روبه‌روی میقات است که حاجی یا معتمر در نظر دارد بدون تمایل داشتن به جهتی از آن عبور کند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۸: ۲۵۵/۳-۲۷۷)؛

ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۳۳۶/۲؛ برخی دیگر معتقدند «محاذات»، کوتاه‌ترین فاصله‌ای است که شخص با میقات دارد؛ به عبارت دیگر، رسیدن به مکانی که فاصله‌اش تا میقات از بقیه مکان‌هایی که وی عبور می‌کند کمتر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۳۵/۴؛ عراقی، ۱۴۲۰: ۱۷/۵)؛ یعنی سمت چپ و راست میقات، به گونه‌ای که اگر از آن مکان به طرف مکه حرکت کند میقات پشت او قرار گیرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۷: ۴۱۷/۱).

۱. مبنا و معیار محاذات به واسطه دایره‌های میقاتی

دایره میقاتی، یعنی مکه را مرکز دایره قرار داده و نصف قطر (شعاع) را مسافت بین مکه و میقات قرار دهیم، یعنی دایره‌هایی نیز اطراف مواقیت بکشیم، به گونه‌ای که دایره در نصف مسافت بین دو میقات از هر دو جهت مسدود شود. هر نقطه‌ای که در محیط آن دایره واقع شده است «محاذات» شمرده می‌شود. به عبارت دیگر، مکه را نقطه وسط قرار می‌دهیم، سپس از هر میقاتی خط مستقیمی تا مکه می‌کشیم، بعد نقطه وسط بین دو میقات را پیدا می‌کنیم، آنگاه با پرگار کمانی برای هر میقات رسم می‌کنیم. از این طریق، دایره به تعداد میقات‌های مشخص ترسیم می‌شود، به طوری که هر نقطه بر روی دایره‌ای، محاذات آن میقات محسوب می‌شود (نک: شکل ۱).

شکل ۱: محاذات مواقیت به واسطه دایره‌های میقاتی



بنابراین، مسافت مکانی که به عنوان محاذات مواقیت شناخته می‌شود همان مسافتی است که بین مکه با میقات نزدیک به آن مکان است. همان‌طور که فکر محاذات به واسطه دایره، از محاذات در صفوف نماز در حرم مکه برگرفته شده است، که هر کس بر روی خط دایره بایستد، روبه‌رو و محاذات بیت‌الله ایستاده است؛ یکی از ابداعات مهندسان مسجدالحرام همین است که در تمام مساحت‌های توسعه‌یافته مسجد، سنگ‌فرش‌ها به صورت دایره‌ای طراحی شده و امر را بر تمامی نمازگزاران آسان کرده است؛ و اگر در نظر بگیریم که تمام زائران در مکه از سراسر کشورها بخواهند در صف‌های نماز بر طبق میقات بایستند، این مسئله، جز از طریق دایره میسر نخواهد شد،

زیرا دایره همان چیزی است که متضمن محاذی و موازی بودن است، همان‌گونه که زائران از خود میقات وظیفه احرام را انجام می‌دهند؛ و این دایره فاصله واقعی را برای زائر مشخص و معین می‌کند، زیرا محیط دایره مسافت مساوی بین میقات معین و مکه را تعیین می‌کند؛ بنابراین، در هر نقطه روی دایره بایستد محاذی میقات قرار گرفته است. گرچه این دایره میقاتی در میقات «ذوالحلیفه» محل اشکال واقع شده، زیرا این میقات حدود ۴۵۰ کیلومتر از مکه فاصله دارد. اگر بخواهیم دایره میقاتی رسم کنیم دایره احرام وسیع می‌شود، به طوری که شمال آفریقا و غرب دریای سرخ را شامل می‌شود و تمامی میقات‌های دیگر را از بین می‌برد؛ و دایره وسیعی محاذات قرار می‌گیرد و بعید به نظر می‌رسد که همه آن نقاط محاذات محسوب شود؛ ولی این مسئله را با مبانی دیگری می‌توان حل کرد، یا بگوییم تا جایی که عرف محاذات می‌داند، محاذات میقات شمرده می‌شود و در نقاطی که عرف دیگر محاذات نمی‌داند، آن مکان‌ها محاذات نیستند. چنان‌که در شکل (۱) می‌بینیم، دایره‌های میقاتی به گونه‌ای به یکدیگر نزدیک‌اند که گویی با هم متطابق‌اند و این به سبب نزدیکی میقات‌ها به مکه است؛ و این ملاک و معیار بسیار مفید است و نقش مهمی در حل مشکل محاذات ایفا می‌کند، به‌خصوص در غرب مکه که میقاتی وجود ندارد و مشکل محاذات در آنجا پیچیده‌تر و بزرگ‌تر است، ولی با این روش مشکل حل خواهد شد؛ زیرا منطقه وسیعی را به عنوان محاذات می‌توان فرض کرد و زائران می‌توانند در هر نقطه روی دایره بایستند، آنجا محاذات برای آنها حساب می‌شود و از آنجا می‌توانند محرم شوند.

شاید بتوان گفت آنچه نجفی (نجفی، ۱۳۱۱: ۱۱۸/۱۸) و طباطبایی یزدی (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷: ۳۳۲/۲) و نراقی (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱۳۴)، در محاذات مواقیت برگزیده‌اند، ناظر به همین مبنا و ملاک باشد که هیچ نقطه‌ای نیست که میقات یا محاذی میقات نباشد؛ به عبارت دیگر، مسیری نیست که در آن میقات یا محاذات میقات وجود نداشته باشد.

این مبنا به عبارتی صحیح‌ترین مبنا است، زیرا در آن مبدأ محاذات لحاظ شده است. در این ملاک، مسافت از مکه تا میقاتی که محاذات این مکان است به دست می‌آید، چنانچه این ملاک، به دلیل شرعی هم که می‌گوید: «مسافت میقات با محاذات نسبت به

مکه یکسان است»، نزدیک‌تر است، چون مسافت مکانی که محاذی میقات است، با مسافتی که بین میقات با مکه است، یکی است؛ ولی باید توجه داشت که این کار به شناخت دقیق محدوده مواقیت نیاز دارد و تحقیقات میدانی لازم است. باید گروهی از فقها و جغرافی دانان و بزرگان و خبرگان آن منطقه جمع شوند تا نظر صحیح را از معنای علمی از «محاذات» و تطبیق آن تبیین کنند.

وقتی این معلوم شد، پس می‌توان محدوده مواقیت را مشخص کرد یا خطوط فرضی کشید و نقاط دایره را ترسیم کرد که هر کس خواست داخل این محدوده دایره شود، از آنجا محرم شود و کسی که خارج این محدوده بود، باید داخل محدوده شود و سپس محرم گردد. تا قبل از میقات، یا قبل از محاذات میقات محرم نشود.

و این کار در زمان ما امری است آسان، با وجود قوانین جدید و دقیقی که برای شناخت مناطق و مکان‌ها قرار داده شده است، برای هر یک از مواقیت، محورهای مختصات معینی را قرار دهند و به دستگاه‌های هوایی و دریایی وصل شود و علاماتی در راه‌های زمینی قرار داده شود و به محض اینکه هواپیما در هوا یا کشتی در دریا یا ماشین در هر منطقه‌ای از آن مناطق عبور کرد، روشن باشد که در محدوده میقات قرار گرفته است. این کار کوششی علمی و عملی می‌طلبد.

فقها در گذشته، به این دقت ملتزم نبودند، چون کشفیات جدید که مسافت‌ها را مشخص و معین کند نبود. می‌گفتند شناخت محاذات به واسطه اجتهاد است و بهتر است احتیاط کرد و در هنگام محرم شدن به گمان خود عمل کند.

دایره میقاتی را برخی از فقهای عامه نیز گفته‌اند، از جمله امام محیی‌الدین نووی شافعی می‌گوید:

اگر راهی را طی کنیم که میقاتی در آن نباشد و از راهی که محاذی بین دو میقات است بخواهیم عبور کنیم، اگر بین دو میقات باشد و هر دو مسافت تا مکه هم یکی باشد، پس میقات آن فرد محاذی هر دو میقات است و اگر نسبت به میقات‌ها فاصله‌ها متفاوت باشد، ولی مسافت تا مکه یکی باشد، اینجا دو وجه وجود دارد؛ یک وجه این است که مخیر است، از دورتر یا نزدیک‌تر

محرم شود و وجه بهتر این است که از دورتر محرم شود؛ پس میقات فرد آنجایی است که محاذی دورتر باشد (نووی، ۱۴۲۵، باب المواقیت: ۱۱۹/۱).

از علمای حنبلی، ابن تیمیه می گوید:

هنگامی که از راه غیر میقات در خشکی و دریا عبور می کند، وقتی به محاذات نزدیکترین میقات قرار گرفت باید محرم شود، خواه آن میقات از مکه دورتر باشد یا نزدیکتر، مثلاً وقتی بین «ذوالحلیفه» و «جحفه» قرار گرفت اگر محاذات «ذوالحلیفه» نزدیکتر بود نسبت به «جحفه» از همان جا محرم می شود و اگر محاذات به «جحفه» نزدیکتر بود نسبت به «ذوالحلیفه» از همان جا محرم می شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۳۳۶/۲).

۲. مبنا و معیار محاذات به وسیله دایره‌های عرضی و خطوط طولی

از لحاظ جغرافیایی، می توان محاذات را از طریق روش‌های جدید جغرافیایی برای میقات‌های مکانی (دایره‌های عرضی و خطوط طولی)، به دو روش محاسبه کرد: الف. تطبیق دایره‌های عرضی و خطوط طولی به طور جداگانه؛ ب. تطبیق دایره‌های عرضی و خطوط طولی با هم برای تمامی میقات‌ها.

در جدول زیر می‌یابیم که تمامی مواقیت مکانی را که شرع مشخص کرده و نیز محاذات مواقیتی را که علما به احرام از آنها فتوا داده‌اند، می‌توانیم در دایره عرضی و خطوط طولی با هم در نظر بگیریم؛ مثلاً «قرن المنازل» در دایره عرضی ۲۱ درجه و ۲۳ دقیقه و ۴۹ ثانیه و در خط طولی ۴۰ درجه و ۲۵ دقیقه و ۲۹ ثانیه قرار دارد و ارتفاعش از سطح دریای سرخ ۱۲۰۰ متر است (نک: جدول ۱).

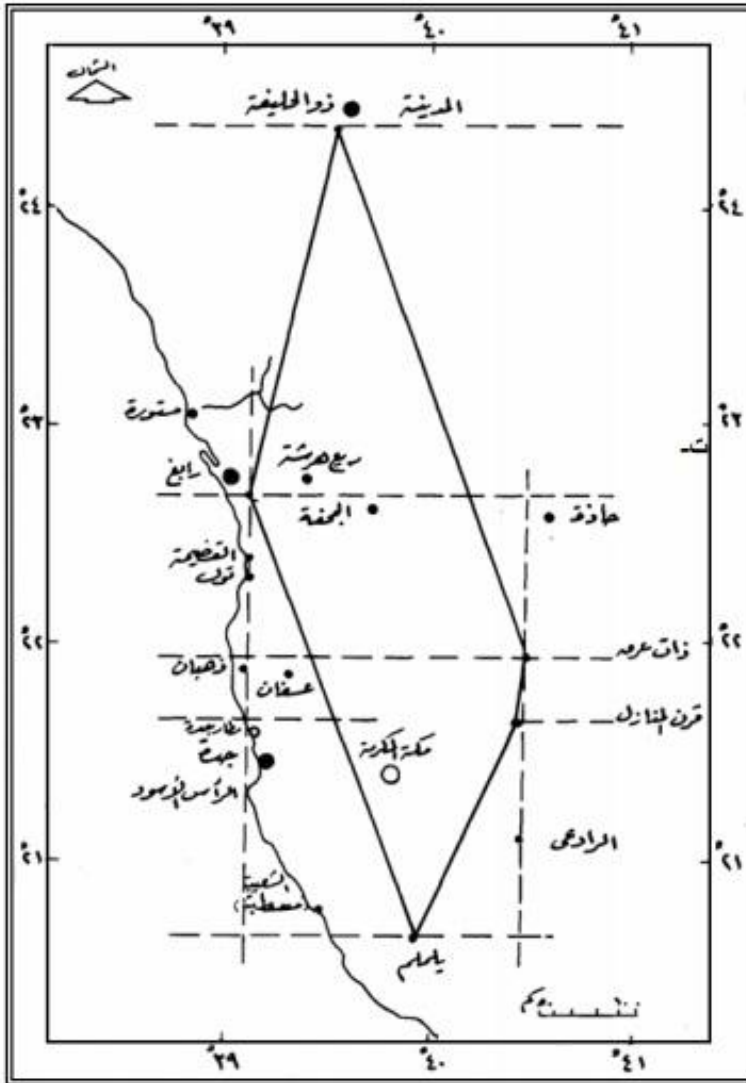
جدول ۱

الارتفاع متر عن سطح البحر	خط الطول (شرقاً)			دائرة العرض (شمالاً)			المیقات
	°	'	°	°	'	°	
۶۲۰	۳۹	۲۳	۳۴	۲۴	۲۴	۶۶	ذو الحلیفة (آبار علی)
۱۴	۳۹	۰۸	۵۰	۲۲	۴۲	۱۸	الجحفه - أ
۷	۳۹	۰۲	۲۰	۲۲	۴۲	۱۶	• رابع - ب
۱۲۰۰	۴۰	۲۵	۲۹	۲۱	۲۳	۴۹	قرن المنازل - أ
۱۸۵۲	۴۰	۱۹	۳۵	۲۱	۲۰	۴۷	• وادی محرم - ب
۱۱۸۷	۴۰	۳۰	۰۰	۲۱	۴۷	۲۹	ذات عرق
۱۲۵	۳۹	۵۵	۲۶	۲۰	۴۰	۵۰	یلملم (السعدیة) - أ
۶۰	۳۹	۵۲	۵۱	۲۰	۳۱	۳۸	• یلملم الجدیة - ب

اما روش الف

دایره‌های عرضی را می‌توان بر تمامی میقات‌ها ترسیم کرد، یعنی از نظر موقعیت‌های جغرافیایی، دایره‌های عرضی بر همه میقات‌ها انطباق پذیرند، اما خطوط طولی که بر اساس نصف‌النهار است، فقط بر سه تا از موازیت منطبق می‌شود، یکی ذات عرق و دیگری «قرن المنازل» و سومی «جحفه». شاید مجوز و توجیه و انتخاب این کار آن است که دایره‌های عرضی محاذات هندسی دقیقی را ارائه می‌دهد و این در تمامی میقات‌ها مفید است؛ اما دایره‌های عرضی نسبت به آن چند میقات فایده و ثمره‌ای ندارد، چون در دایره عرضی مثلاً در «قرن المنازل»، اگر کسی قبل از آن بخواهد محرم شود، احرام قبل از میقات می‌شود و اگر بعد از میقات در روی دایره عرضی بخواهد محرم شود، دیگر از میقات گذشته و وارد حرم شده و عبور از میقات هم بدون احرام جایز نیست؛ بنابراین، خط عرضی در چنین میقات‌هایی فایده ندارد (نک: شکل ۲).

شکل ۲: محاذات به وسیله دایره‌های عرضی و خطوط طولی



می‌بینیم که خطوط طولی محاذات مواقیت شرقی چون «ذات عرق» و «قرن المنازل» را مشخص می‌کند، زیرا دیوارهای میقاتی امر دیگری است که باعث محاذی بودن می‌شود اما دایره‌های عرضی نسبت به آن مواقیت فایده‌ای ندارد.

از سمت راست وقتی مشاهده می‌کنیم، حاجی به‌ناچار باید از خود میقات بگذرد و محرم شدن قبل از میقات معنا ندارد و اگر از سمت چپ بخواهد محرم شود دیگر به مکه نزدیک شده است و چاره‌ای ندارد که از میقات‌های دیگر رد شود از آنجا محرم گردد یا اگر از اهالی منطقه داخل حرم بوده که از خانه‌هایشان محرم می‌شوند و شخص باید دایره عرضی را در این دو میقات برای تعیین محاذات ساحلی تا دو نقطه را از دو لحاظ بررسی کند؛ یکی در شمال «ذهبان» و در محاذات «ذات عرق» و دیگری در شمال فرودگاه جده که در محاذات «قرن المنازل» است. در واقع، این محاذات دایره‌های عرضی غیر معمولی است که فایده چندانی ندارد و محاذات به وسیله دایره‌ها یعنی مبنای اول، که گفته شد مکه را مرکز قرار داده؛ و در هر میقاتی دایره‌ای رسم شود بهتر و منطقی‌تر و توجیه‌پذیرتر است؛ و اما میقات‌هایی که در جهت غرب قرار دارند درمی‌یابیم که دو دایره عرضی میقاتی «جحفه» و «یللم» سمت چپ و راست آنها خوب و مفید است؛ و کاملاً انطباق‌پذیر است، اما معیار خط طولی (نصف‌النهار) فقط به طور عالی در خط طولی «جحفه» تطبیق‌پذیر است.

این خط در هنگام عبور به جده به ساحل جده برخورد می‌کند و کسانی را راضی می‌کند که ابتدای احرامشان از جده باشد؛ و این توضیح باید برای گذرگاه‌های اصلی به عنوان محاذات میقات در نظر گرفته شود نه چیز دیگر.

اما در «ذوالحلیفه» محاذات با دایره‌های عرضی فایده‌ای ندارد. اولاً قبلاً گفتیم که بر میقات «جحفه» یا دیوارهای میقاتی به عنوان محاذات عبور می‌کنند. ثانیاً تشریح همیشه ناظر به تسهیل بر مسلمانان است و این با دایره عرضی سازگاری ندارد، زیرا این کار الزام به احرام از مسافت دورتر است و برای حاجیانی که از راه‌های دور می‌آیند مشقت‌آور است؛ اما خط طولی برای «ذوالحلیفه» و «یللم» فایده‌ای ندارد، زیرا هر دو از داخل حرم می‌گذرد؛ و اگر قبل از آن بخواهد معیار باشد، محاذات قبل از میقات می‌شود و این صحیح نیست.

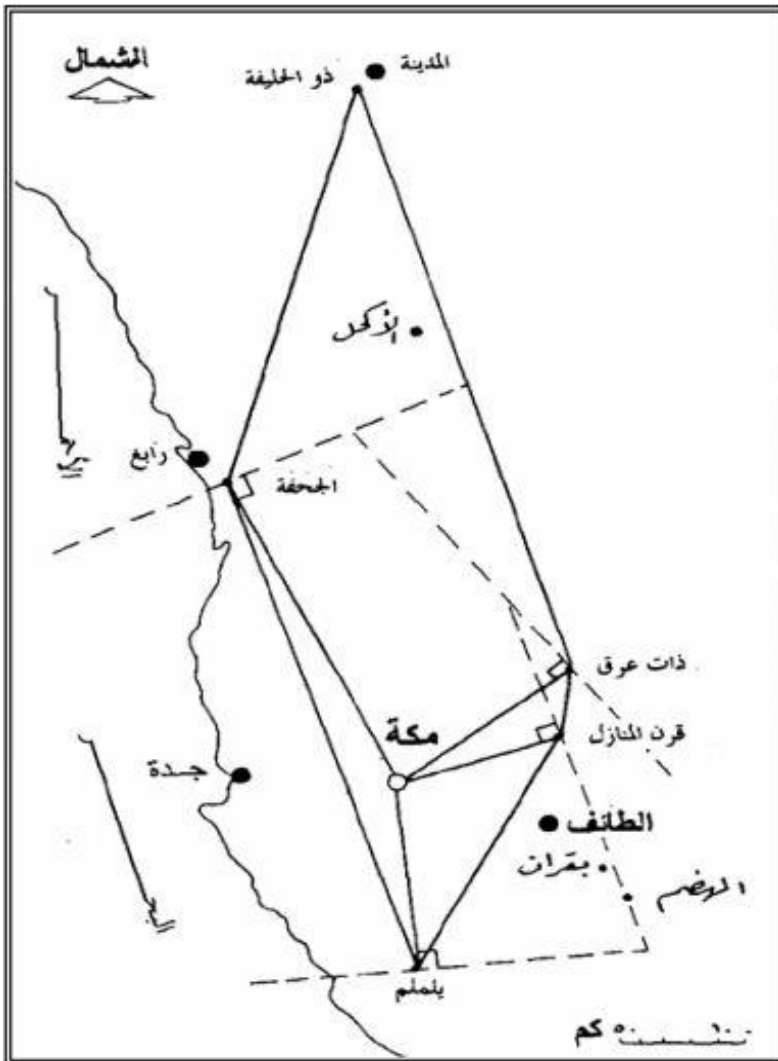
اما روش ب:

از دایره‌های عرضی و خطوط طولی با هم برای مشخص کردن محاذات استفاده می‌شود؛ یعنی از برخورد و تقاطع دایره‌های عرضی و خطوط طولی محاذات به دست می‌آید. طبق شکل (۲) مستطیلی ترسیم می‌شود که اضلاعش مساحت متوازی را در بر می‌گیرد که محل تلاقی این اضلاع در دایره‌های عرضی و خطوط طولی محاذات آن میقات به حساب می‌آید؛ این روش می‌تواند تا حد بسیار پذیرفتنی باشد، مثل اینکه دیوار میقاتی به یکسان برای میقات‌ها در نظر گرفته شود. این ملاک در محاذات در دریا بیشتر اهمیت می‌یابد، زیرا مستطیل همان‌گونه که در شکل ۲ نشان می‌دهد قسمتی از دریا را که نزدیک ساحل است می‌پوشاند؛ یعنی در دایره عرضی میقات «رابغ» (جحفه) با خط طولی «یلملم» تقاطعی به وجود می‌آید که در هر نقطه‌اش محاذات به حساب می‌آید و از آنجا باید محرم شود و گویا میقات‌های پنج‌گانه حرم را به واسطه این مستطیل احاطه کرده است. ابن حجر در فتح الباری می‌گوید: «شکی نیست که مواقیت پنج‌گانه محیط به حرم است و هیچ منطقه‌ای در روی زمین نیست که محاذی میقاتی از مواقیت نباشد، اگرچه ممکن است بعضی از آنها نسبت به دیگری دورتر باشد» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸: ۳۹۰/۳).

۳. مبنا و معیار محاذات به وسیله خطوط عمودی با خطوط مواصلاتی بین مکه و مواقیت طبق این مبنا، بین مکه و هر یک از میقات‌ها خط مستقیمی رسم می‌شود. سپس از طرف میقات خط عمودی در سمت راست و چپ میقات کشیده می‌شود، به طوری که زاویه قائمه‌ای را تشکیل دهد که آنها محاذات میقات‌اند و به حسب نیاز نقاط محاذات محسوب می‌شود؛ یعنی کسی که از میقات عبور نمی‌کند می‌تواند از محاذات این میقات‌ها بر روی خط عمودی محرم شود. این ملاک و قاعده، محاذات را به صورت درست اجرا می‌کند و مسافت مقبولی را از «حمی النسک» (محیط حرم) که از تمامی ارکان خطوط عمودی است ارائه می‌دهد (نک: شکل ۳).

سیستانی نیز درباره کیفیت به دست آوردن محاذات میقات می‌گوید: «اگر دو خط متقاطع را فرض کنیم که زاویه قائمه‌ای را تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، نقطه تقاطع، محل محاذات با میقات است» (کاظمی، ۱۳۹۶: مسئله ۲۱۳). اگر دو خط را در نظر بگیریم که یکدیگر را قطع می‌کنند و زاویه‌ای ۹۰ درجه تشکیل می‌دهند و یکی از آنها از مکه می‌گذرد و دیگری از میقات، آنگاه اگر شخص مکلف در نقطه تقاطع به سمت مکه بایستد، در جایی ایستاده است که محاذی آن میقات است (فلاح‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶). معیار در این مسئله نیز صدق عرفی است و دقت عقلی لازم نیست.

شکل ۳: محاذات به وسیله خطوط عمودی با خطوط مواصلاتی بین مکه و مواقیت



از مزایای این معیار، آن است که مساحت وسیع‌تری از مساحت محاذات دایره‌ای را پوشش می‌دهد؛ همچنان که از نقطه تقاطع دو میقات، محاذات دو میقات به وجود می‌آید و این معیار، اعتماد به موقعیت جغرافیایی محاذات را بالا می‌برد و ضریب

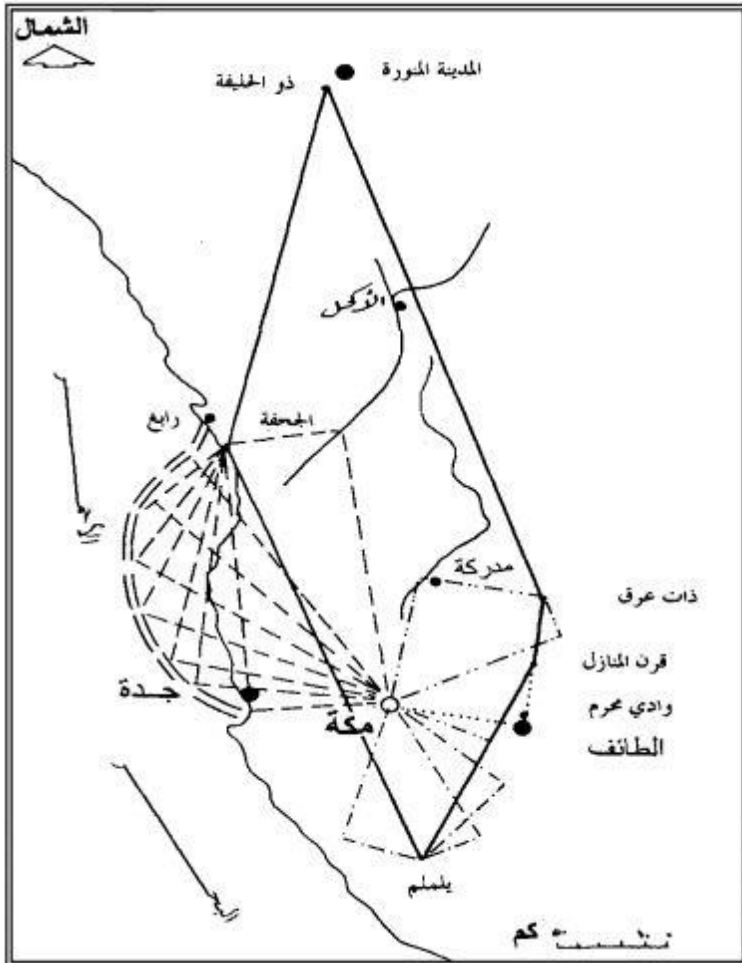
اطمینان بالاتری را به دست می‌دهد که فرد از محاذات میقات، بدون احرام عبور نکرده است. این مطلب در نقطه عمودی «جحفه» و «ذات العرق» کاملاً محقق شده و با خط عمودی «جحفه» و «یلملم»، دو نقطه محاذات هر یک در کنار ساحل دریا به‌خوبی در شکل (۳) مشخص شده است؛ همچنین، منطقه‌ای بر روی بیابان ساحلی شمال و جنوب جده و در جنوب شرقی، نقطه التقای عمودی «قرن المنازل» و «یلملم»، نقطه مشترک محاذاتی است که در جنوب «مهضم» و «بنی فهم» با فاصله ۴۵ کیلومتری واقع شده است؛ و احتیاط این است که کسی که می‌خواهد به مکه برود، بدون اینکه با یکی از آن دو برخورد و از آن عبور کند از همان‌جا، یعنی محاذات آنها باید محرم شود.

۴. مبنا و معیار محاذات به وسیله خطوط عمودی با خطوط مواصلاتی بین مکه و مسیرهای حجاج

این مبنا از نظر فکری شبیه مبنای قبلی است. فرقی در این است که اینجا اتصال خطوط بین مکه و مسیرهای حجاج است، ولی در قبلی بین مکه با میقات بود. محاذات در اینجا خط مواصلاتی بین مکه و موقعیت حاجی است؛ یعنی از تقاطع این دو خط، محاذات میقات به دست می‌آید؛ طبق شکل (۴) تمام آن خطوط، محاذات آن میقات شمرده می‌شود.

شکل ۴: محاذات به وسیله خطوط عمودی با خطوط مواصلاتی بین مکه و

مسیرهای حجاج



این ملاک و معیار نوعی تطبیق عملی است در معنای محاذات که برخی از علما گفته‌اند محاذات از سمت راست و چپ است نه از جلو و پشت. به عبارت دیگر، از خط مواصلاتی بین مکه و مسیرهای حجاج یک زاویه قائمه درست می‌شود و آن خط تقاطع، محاذات میقات شمرده می‌شود؛ و حاجی اجازه ندارد بدون احرام از محاذات آن

میقات که تقاطع باشد عبور کند. موسوی خمینی می‌گوید: «مراد از محاذات، یمین و یسار میقات می‌باشد، به گونه‌ای که اگر از آن مکان به طرف مکه حرکت کند، میقات خلف قرار می‌گیرد» (موسوی خمینی، ۱۴۲۷: ۴۱۱/۱).

محاذی میقات جایی است که وقتی شخص عازم مکه به آنجا رسید، میقات در سمت راست یا چپش قرار گیرد؛ یعنی اگر خطی را از محل میقات به سوی آن شخص که به سمت مکه می‌رود، ترسیم کردیم زاویه قائمه‌ای تشکیل شود (فلاح‌زاده، ۱۳۹۳)؛ یعنی محاذات طبق نقشه خیلی ساده رسم می‌شود، به این صورت که اگر یکی از رأس‌های مثلث رسم شده بر روی مکه و رأس دیگرش بر روی میقات گذاشته شود، زاویه قائمه در مثلث رسم شده که مسیر حجاج است، نقطه محاذات را مشخص می‌کند و این عمل تکرار می‌شود تا به پایان برسد؛ و تمامی آن نقاط در مسیر حجاج نقطه محاذات خواهد بود و حاجی می‌تواند از تمامی آن مکان‌ها محرم شود؛ به عنوان اینکه آنها محاذات آن میقات خواهد بود. خلیل مالکی می‌گوید:

کسی که خارج از مواقیت است و می‌خواهد به مکه برود و از خود میقات عبور نمی‌کند بلکه به مکانی که محاذات میقات در سمت راست یا چپ آن است می‌رسد، واجب است از همان جا محرم شود و لازم نیست به خود میقات برود و محرم شود، چه بسا مسافتی که بین محاذات با میقات است، مثل مسافتی است که این محاذات با مکه دارد (علیش، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۲).

دسوقی مالکی در حاشیه‌اش بر شرح الکبیر می‌نویسد: «در مکانی که محاذات میقات است، خواه منزل آن محرم باشد یا محرم از آن مکانی که محاذات است عبور می‌کند ... در محاذات میقات است، اگر در کنار میقات یعنی در میمنه و میسره قرار گیرد، اما اگر در مقابل میقات باشد محاذات نیست و از آنجا نمی‌توان محرم شد» (دسوقی، بی‌تا: ۳۵۶/۵). این قاعده، در محاذات دریا برای «جحفه»، کاملاً تطبیق می‌کند و مفید است، گرچه شبیه محاذات دایره‌ای است، ولی به عنوان ضابطه‌ای کلی برای محاذات می‌تواند واقع شود، به خصوص در ضلع شمالی بین «جحفه» (رابغ) و جده.

۵. مبنا و معیار محاذات اعتباری یا تجربی

برخی گفته‌اند کسی که نمی‌تواند از میقات یا محاذاتش عبور کند باید از دو مرحله مانده به مکه محرم شود (ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۴۷۷/۲). به عبارتی، مقیاس را اعتبار کرده‌اند. چه بسا ملاک و مبنا دایره‌های میقاتی که مکه را مرکز قرار می‌دهد و هر یک از «ذات عرق» و «قرن المنازل» و «یللم» را در اطراف آن فرض می‌کند، نیز احرام از دو مرحله در نظر گرفته شده است؛ اما در کتب فقهی و تاریخی، مسافت و فاصله مشخص نشده، فقط حرکت بر اساس سیر قافله در روز و شب تنظیم می‌شده است. مثلاً قافله از عصر حرکت می‌کرده تا نیمه‌های شب یا صبح به منزل می‌رسیده و مسافت‌های مراحل سیر بر حسب طبیعت زمین هموار و ناهموار بودن فرق می‌کرده است. حرکت در کنار ساحل با حرکت در بالای کوه‌ها و دامنه‌های کوه خیلی فرق می‌کند؛ اما علی‌رغم مشخص نبودن مرحله، با کمی دقت می‌توان به اندازه پذیرفتنی دسترسی پیدا کرد. همان‌طور که در جدول (۲) معلوم است، تمام مراحل که در کتب تاریخی حج درباره میقات حج آمده است، متوسط طول مرحله هر یک از مواقیت را اندازه می‌گیریم، سپس بر تعداد مراحل تقسیم می‌کنیم، بعد جمع مراحل و معدل کلی برای هر مرحله را به دست می‌آوریم. تقریباً طول هر مرحله ۴۲/۶ کیلومتر می‌شود و طول دو مرحله ۸۵/۲ کیلومتر می‌شود. از دایره‌های دو مرحله‌ای که مکه در مرکز آن قرار دارد طول نصف قطر دایره ۸۵/۲ کیلومتر از میقات اصلی به دست می‌آید. این مبنا و ملاک مشکل احرام زائرانی را که از طرف غرب (نیل، سودان، مصر) مستقیماً وارد می‌شوند حل خواهد کرد. جدول زیر مسافت میقات‌ها به کیلومتر و مراحل را حساب کرده است (نک: جدول ۲).

جدول ۲: در این جدول مسافت‌های مواقیت به کیلومتر و مراحل و متوسط هر مرحله به کیلومتر مشخص شده است.

مواقیت	مسافت به کیلومتر	مراحل	متوسط مرحله به کیلومتر
۱. ذوالحلیفة	۴۵۰	۱۰	۴۵
۲. جحفة	۱۶۷	۵	۳۳
۳. ذات عرق	۱۰۰	۲	۵۰
۴. قرن المنازل	۷۸	۲	۳۹
۵. یلملم	۹۲	۲	۴۶
مجموع			۲۱۳

اعتبار دو مرحله را برخی از علمای حنفیه نیز گفته‌اند. ابن‌عابدین می‌گوید اگر محاذات را نمی‌داند کجا است، از دو مرحله مانده به مکه محرم شود. زیرا «دو مرحله، میانه راه (میانه مسیر) است و الا بیشتر باشد به احتیاط نزدیک‌تر است» (ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۴۷۷/۲؛ ابن‌نجیم، بی‌تا: ۳۴۲/۲). برخی از علمای عامه نیز مسافت تقریبی برای محاذات در نظر گرفته‌اند و حدود مشخصی بیان نکرده‌اند. حطاب الرعینی درباره احرام از محاذات مواقیت می‌گوید:

کسی که از محاذات یکی از مواقیت یا از یکی از مواقیت اصلی عبور کرد واجب است از محاذات همان جا محرم شود...؛ و کسی که منزلش در محاذات میقات بود، حکم همان را دارد که در مسیر محاذات میقات قرار گرفته است و چنین کسی که منزلش در محاذات میقات است لازم نیست به میقات برود و آنجا محرم شود، بلکه از همان محاذات میقات محرم شود کافی است (حطاب الرعینی، ۱۴۱۶: ۳۷۶/۷).

یعنی مسافتی را اعتبار کند و آن را به عنوان محاذات قرار دهد. وی از ابواسحاق تونسی مالکی نیز گزارش می‌دهد که:

کسی که شهرش از میقات دور باشد، مثلاً در سمت مشرق یا مغرب میقات باشد، هنگامی که به مکه می‌رود، اگر در مسیرش میقاتی نباشد و در صورتی که رفتن به طرف میقات برایش مشقت داشته باشد، چون مسافت شهرش تا میقات مانند مسافت از شهرش تا مکه است، پس وقتی در محاذات میقات (برآورد کرد و تخمین زد) قرار گرفت، از همان جا می‌تواند محرم شود و لازم نیست به میقات برود؛ و همچنین کسی که در دریا است، وقتی در محاذات میقات قرار گرفت از آنجا می‌تواند محرم شود (همان).

به عبارتی، آنچه را تجربه کرده است محاذات قرار دهد. ابن مهنای مالکی در *الفواکه* می‌گوید: «هر کس از مسیری برود که به میقات برخورد نمی‌کند، واجب است از محاذات میقاتی که قرار داده شده محرم شود، اگرچه در دریا باشد» (نفاوی الازهری، ۱۴۱۵: ۳۵۳/۱). امام محیی‌الدین نووی شافعی می‌نویسد: «هنگامی که حاجی از مکانی برود که به میقات یا محاذی آن برخورد نکند، می‌گوید اصحاب ما گفته‌اند که تا دو مرحله مانده به مکه محرم شوند، به واسطه آنچه عمر در میقات بودن ذات عرق بیان کرده است» (نووی، ۲۰۱۰: ۱۹۹/۷). شافعی‌ها در کتب حج خود نیز گفته‌اند:

اگر حاجی در مسیرش به میقاتی برخورد نکرد، از محاذات آن محرم شود و اگر به محاذات دو میقات برخورد می‌کرد، از آن مکانی که نزدیک‌تر هست محرم شود و اگر نسبت به هر دو مساوی بود از محاذات آن مکانی که دورتر از مکه است محرم شود؛ و اگر به محاذات هیچ میقاتی برخورد نمی‌کند، از دو مرحله مانده به مکه محرم شود (بجیرمی، ۲۰۱۰: ۷۴۳/۷).

غزالی در *الوجیز* می‌گوید:

اگر کسی در محاذات میقاتی قرار گرفت، میقاتش همان محاذات میقات است، زیرا منظور دوربودن از مکه است و اگر از مسیری آمد که محاذی میقاتی نبود

و عبور از میقات یا محاذی آن هم نداشت، از دو مرحله مانده به مکه باید محرم شود، چون این کمترین مسافت به مواقت است و آن ذات عرق است که از مکه دو مرحله فاصله دارد (رافعی، بی‌تا: ۷۰/۷).

بنابراین، میزان و معیار در محاذات را دو مرحله تا مکه قرار داده‌اند. مرداوی می‌گوید:

کسی که مسیرش به میقاتی برخورد نمی‌کند، وقتی به محاذات نزدیک‌ترین میقات رسید از همان جا محرم می‌شود؛ و در این مطلب نزاع و اختلافی نیست، گرچه مستحب است احتیاط کند؛ و اگر دو محاذات از نظر فاصله تا مکه یکسان بود از آن محاذاتی که دورتر از مکه بود محرم شود (مرداوی، ۱۳۷۵: باب المواقت: ۱۳۱/۶).

اما آجری، از علمای حنبلی، به طور مطلق می‌گوید: «هر کسی که از میقات خارج شد از محاذات آن میقات باید محرم شود» (همان). یعنی همان دو مرحله بودن؛ حنبلی‌ها در کتاب فقهی حج آورده‌اند: «کسی که از طرف جده می‌آید و از «رابغ» و «یللم» هم عبور نمی‌کند، از جده هر جا که دو مرحله به مکه مانده بود محرم شود، زیرا آنجا «اقل المواقت» است» (سیوطی رحیبانی، ۱۹۹۴/۱۴۱۵: ۸۲/۶). ابن‌قدامة می‌گوید کسی که از طریقی به مکه می‌رود که بین دو میقات است، باید بکوشد به محاذات میقاتی که طریقیش به مکه نزدیک‌تر است برود و از آنجا محرم شود. دلیلی هم می‌آورد که اهل عراق به عمر گفتند «قرن» از راه ما دور است. خلیفه در جواب گفت: «از محاذات آن محرم شوید». لذا «ذات عرق» را میقات قرار داد و این با اجتهاد معلوم شد و هر جا امر مشتبه شد اجتهاد وارد می‌شود، مثل قبله (ابن‌قدامة، ۱۴۰۵: ۲۱۹/۳).

و «ذات عرق» تا مکه دو مرحله فاصله دارد. ابن‌مفلح، از فقهای حنابله، می‌گوید: «شافعی‌ها می‌گویند اگر کسی محاذات میقات نبود از مکه به اندازه دو مرحله مانده

محرم می‌شود؛ حنفی‌ها هم همین را می‌گویند، منتها گفته‌اند اگر شناخت محاذات مشکل باشد» (مقدس، ۱۴۲۴: ۲۷۵/۳). ابی‌شجاع در کتاب *اقناع* می‌گوید:

کسی که از راهی برود که از میقاتی عبور نمی‌کند، از محاذات آن باید محرم شود؛ و اگر محاذی دو میقات قرار گرفت از محاذات نزدیک‌تر محرم شود و اگر هر دو نسبت به میقات مساوی بودند محاذاتی که از مکه دورتر است، از آنجا باید محرم شود؛ اما اگر محاذی هیچ یک از میقات‌ها نبود، از دو مرحله مانده به مکه باید محرم شود (خطیب شربینی، ۲۰۱۰: ۴۱۴/۱).

از این گفته‌ها معلوم می‌شود که احرام از دو مرحله به مکه برای کسانی است که احرام از میقات یا محاذات میقات باشد و نتوانند به میقات یا محاذات آن بروند؛ اینجا دو مسئله است: یکی تشخیص محاذات و ملاک معین کردن محاذات، و دیگری در حال عجز و ناتوانی. پس به ملاک دو مرحله بودن نمی‌شود اعتماد کرد و دلیلی بر آن اقامه نشده است. به علاوه در خود دو مرحله در صورت عجز و ناتوانی هم نمی‌توان تکیه کرد، زیرا شارع مقدس برای مواقیت مسافت مشخص نکرده تا اینکه دو مرحله در صورت تعذر میزان برای محاذات باشد.

بله این مبنای دو مرحله برای حجاجی خوب است که ممکن نیست محاذات میقات را بدانند کجا است، مثلاً وقتی در فضا، در هواپیما قرار گرفته و محاذات را نمی‌تواند تشخیص دهد. آنجا دو مرحله فاصله تا مکه مانده است که محرم شود. این قول برای آنها خوب است. دلیل شرعی اقامه نشده است که مسافت را مشخص کرده باشد، حتی در صورت عجز و ناتوانی هم نمی‌توان دو مرحله را به عنوان محاذات قرار داد.

۶. مبنا و معیار تشخیص محاذات، جدار (دیوار) میقاتی

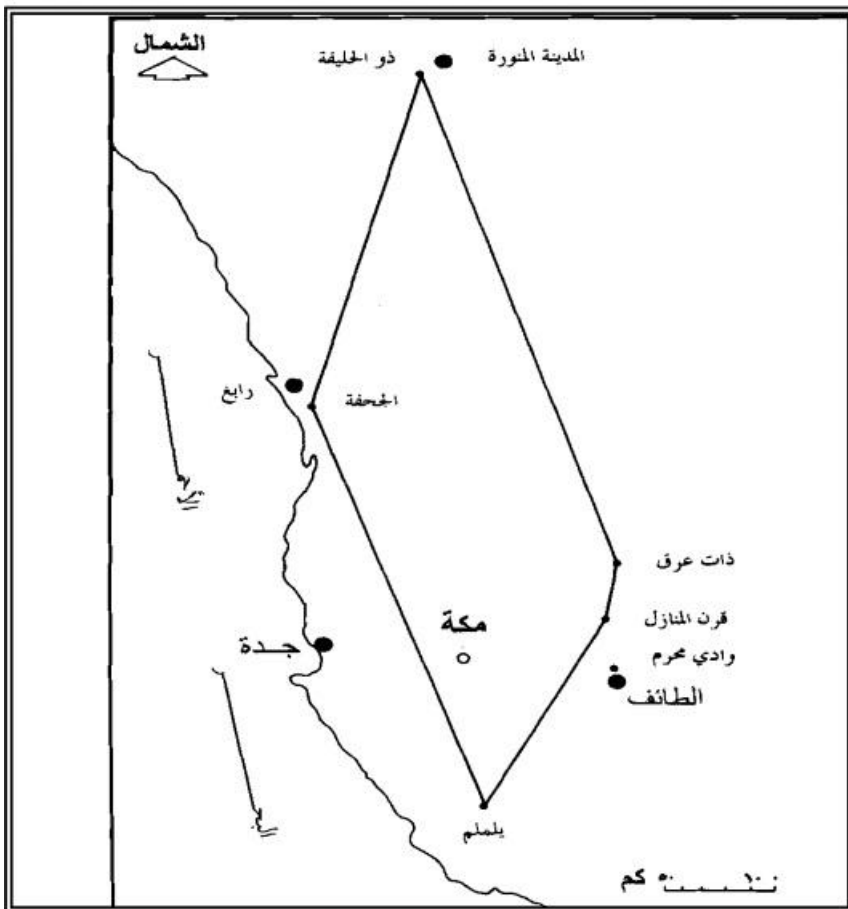
منظور از جدار میقاتی یا دیوار میقاتی، خطوط مستقیم و مواصلاتی بین مواقیت تا مکه است؛ چیزی که به واسطه همه آنها شکل محیط به مکه به وجود می‌آورد (نک: شکل ۵).

شکل ۵: تصویر فضایی موقعیت‌های مواقیت حج که جدار میقاتی بین آنها کشیده شده است.



چون این میقات‌ها مثل این است که حرم بیت‌الله الحرام را احاطه کرده و هر کس بخواهد وارد بر این حریم شود باید حرمت آن مکان را نگه دارد، اگرچه برخی از مکان‌ها نسبت به مکان دیگر فاصله بیشتری داشته باشد (نک: شکل ۶).

شکل ۶: دیوارهای میقاتی مواصلاتی بین مواقیت

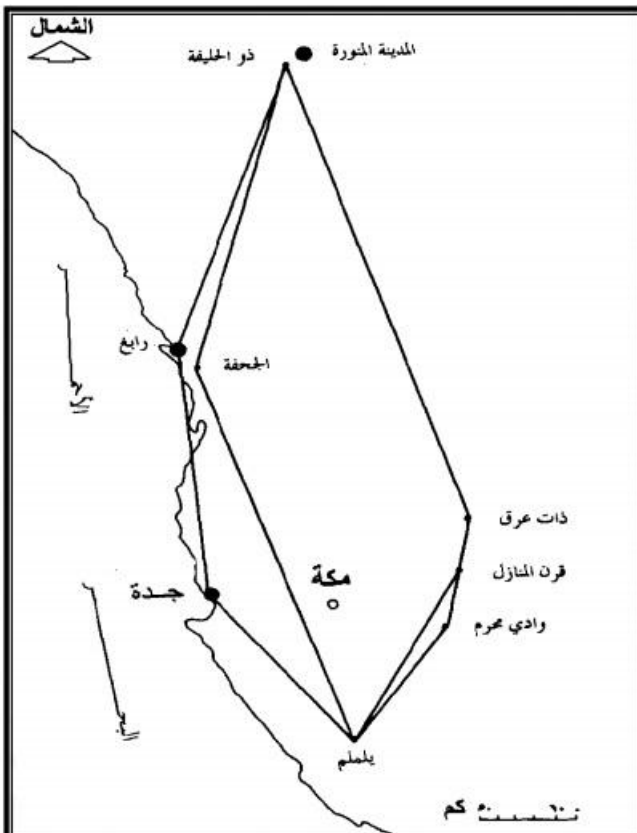


اگر این مبنا را بخواهیم در نظر بگیریم باید منطقه‌ای را فرض کنیم که خود مواقیت و محاذاتشان دیواری را تشکیل داده‌اند که به آن «محیط میقاتی» می‌گوییم تا حرمت

خانه خدا، برای زائران حج و عمره در نظر گرفته شود. سحیبانی، از استادان معاصر فقه دانشگاه قصیم، مقاله‌ای درباره نوازل دارد که این مبنا و قاعده را در آنجا بیان کرده است. وی می‌گوید: «گرچه این مبنا متبادر به ذهن است، ولی قائلی به این مبنا در بین مذاهب فقهی نیافتم» (السحیبانی، ۲۰۰۹).

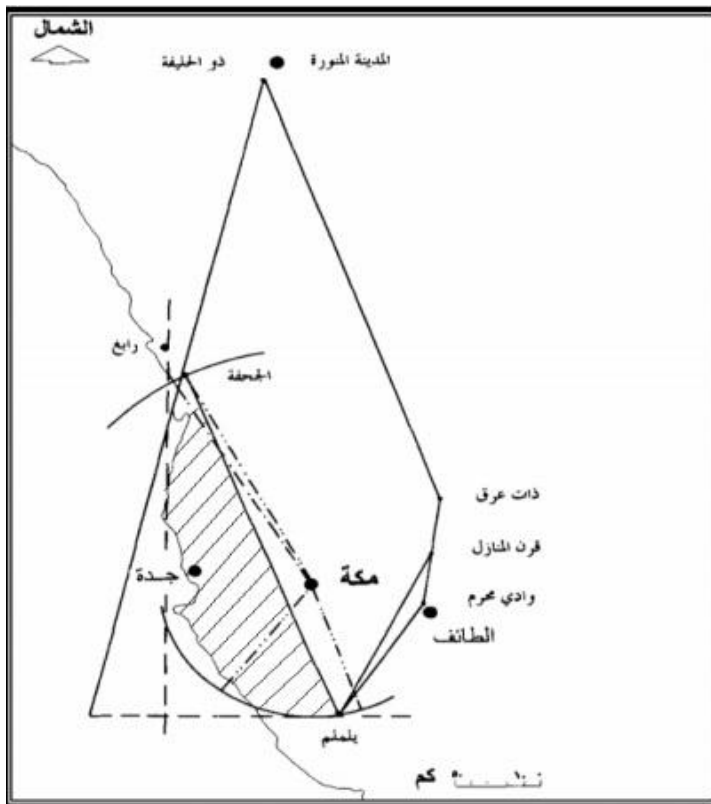
به طور قاطع می‌توان گفت، طبق ملاک و مبنای دیوارهای میقاتی که بین مواقیت مناطق میانی هم مشخص شده است، ساکنان آن مناطق بدون اینکه به مواقیت اصلی بروند می‌توانند از همان مکان دیوار میقاتی به عنوان محاذات میقات محرم شوند (نک: شکل ۷).

شکل ۷: دیوارهای میقاتی مواصلاتی



اشکال مهم وارد بر این قاعده این است که اگر خط مستقیم مواصلاتی به هر میقات کشیده شود، لازم می‌آید محاذات میقات در جهت غرب مکه نزدیک‌تر باشد، زیرا خط مستقیم مواصلاتی در «جحفه» که در شمال مکه است، با «یللم» که در جنوب مکه است، نسبت به حرم ۱۵ کیلومتر بیشتر نیست و میقات در این صورت نسبت به محاذاتش به حرم نزدیک‌تر است (نک: شکل ۸).

شکل ۸: دیوارهای میقاتی مساوی با مواقیت



قسمت هاشور کشیده‌شده ساحلی است که طرف جده را نشان می‌دهد.

این مبنا، ملاک دقیقی نیست و کاربرد واقعی ندارد. گرچه انتزاع ذهنی است ولی شارع مقدس آن را نمی‌پذیرد. زیرا مقصود از محاذات میقات این است که محاذات از

نظر مسافتی مثل فاصله و مسافت میقات با حرم باشد و حال آنکه در اینجا میقات نسبت به محاذات مسافتش نزدیک‌تر می‌شود و این درست نیست و قابل تطبیق و انطباق هم نیست.

۷. مبنا و معیار محاذات به واسطه وادی‌های مواقیت

مواقیت با وادی‌ها ارتباط نزدیکی دارند و تمامی مناطقی که میقات‌ها در آنجا هستند به وادی‌ها مرتبط‌اند، یا در اطراف وادی‌ها یا بسیار نزدیک وادی‌ها قرار گرفته‌اند. پس اگر این مبنا به طور گسترده در نظر گرفته شود و با توجه به وادی‌هایی که در مسیر حجاج واقع شده‌اند، درمی‌یابیم که محاذات رعایت شده و می‌توان گمان پیدا کرد که مسافت محاذات در وادی مثل یا بیشتر از مسافت میقات است تا اینکه تجاوز از میقات صدق نکند. لذا برخی از فقها، تمامی وادی‌ها را میقات دانسته‌اند و بر طبق آن فتوا داده‌اند و گفته‌اند از وادی‌ها بدون احرام نباید تجاوز کرد. بنابراین، میقاتی را که محاذات میقات «یللم» است، در پایین‌ترین قسمت وادی یلملم، در مسیر «جازان» و «یمن» قرار داده‌اند و میقاتی را که محاذات با میقات «قرن المنازل» است، در بالاترین قسمت «وادی محرم» در مسیر طائف، محاذات (الهدا) قرار داده‌اند.

البته محاذات بالای وادی، غیر از محاذات در پایین وادی است، زیرا بدیهی است که قسمت‌های بالای وادی‌ها نسبت به پایین ثابت بیشتری دارند. به‌علاوه در قسمت بالای وادی‌ها، رفت و آمد کمتر و محدودتر است، برخلاف پایین وادی‌ها که مناطق مسطحی هستند و در کوهپایه‌ها قرار گرفته‌اند و به واسطه سنگ‌های بسیار و دگرگونی‌های فراوان، نمی‌توان به عنوان میقات در نظر گرفت. در اینجا طبق این مبنا، سه احتمال داده می‌شود:

۱. مجرای وادی‌ها مشخص و منظم باشد و اینکه جریانش تغییر پیدا نکند تا میقات در آن ثابت بماند؛ یعنی تمام وادی را با پیچ و خمش در نظر بگیریم.
۲. مجراهای کنونی میقات ثابت باشد، بدون توجه به تغییرات در طول زمان.
۳. میقات با وادی جابه‌جا شود؛ هر جا وادی است میقات، و هر جا میقات است وادی قرار داده شود.

احتمال اول معنا ندارد، زیرا غرض محاذات است، نه وادی؛ و اگر بخواهیم وادی را به این گستردگی در نظر بگیریم بر مکلفان امر مشکل می‌شود؛ اما احتمال دوم پذیرفتنی است، و امری بسیط و مشخص است. ولی احتمال سوم عملی نیست، چون جابه‌جایی میقات باعث سردرگمی است و دیگر اینکه وادی را به عنوان اصل قرار می‌دهد.

این مبنا که اساس در محاذات، وادی‌ها هستند، گرچه در ابتدا منطقی و پذیرفتنی به نظر می‌رسد، ولی ثبات‌نداشتن وادی‌ها آن را ضعیف می‌کند. از تاریخ میقات‌ها معلوم می‌شود که بر اساس مسیر، در راه‌های مردم بوده است و با اینکه در وادی‌ها آب‌های سطحی و تمام باران‌ها در درون آنها ذخیره می‌شده تا چاه‌های قبلی و جدید را پر کند، ولی نمی‌تواند دلیل محکمی باشد بر اینکه تمام وادی‌ها مسیرشان میقات‌ها هستند، ولی می‌تواند مؤیدی باشد بر اینکه آن وادی‌ها جایگاه میقات‌ها هستند. مثلاً:

۱. «جحفه» نام‌گذاری شده، زیرا سیل اهلش را با خود برده است. پس اگر تمام وادی میقات بود نامش به عنوان وادی ذکر می‌شد.

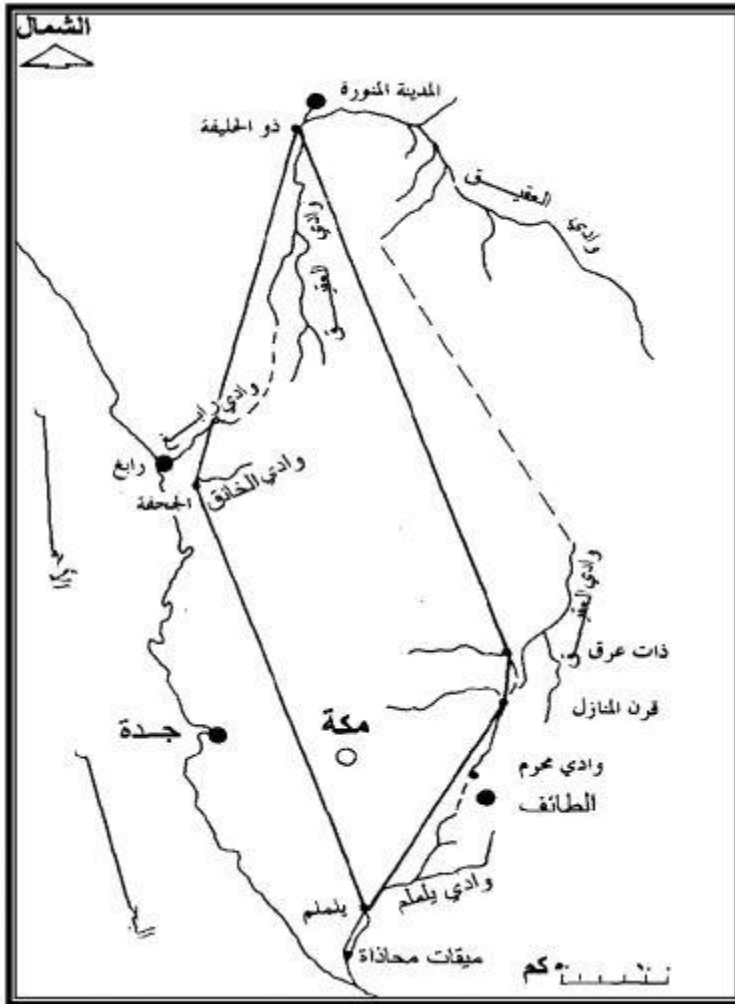
۲. هیچ‌کس از محاذی بودن وادی عقیق که از «ذوالحلیفه» می‌گذرد سخن به میان نیاورده است و اصلاً محاذات هیچ میقاتی شمرده نشده است.

۳. درباره «جحفه» گفته‌اند یک روستا است و مسافت‌های کیلومتری برای آن در نظر گرفته شده است.

۴. گفته‌اند «قرن المنازل» یا نام کوهی است یا جایی با راه‌های مختلف.

۵. و نیز گفته‌اند «ذات العرق»، روستایی در نزدیکی کوه است (نک: شکل ۹).

شکل ۹: محاذات به واسطه وادی‌های مواقیت



شیخ عبدالله بسام حنبلی می‌گوید همه مواقیت احرام، وادی‌های بزرگی هستند. بنابراین، زائران باید احتیاط کنند، از منطقه‌ای وارد مکه نشوند که به وادی‌ها برخورد نکنند تا تجاوز از میقات صدق نکند (بسام، ۲۰۰۶/۱۴۲۶: ۳۳۹/۱). شیخ بسام، بنا بر اینکه وادی «یلملم» چون تمام وادی، از کوه «سراة» تا محل ریزش آب به دریای سرخ،

همه‌اش میقات است، فتوا داده است به اینکه، کسی که اراده می‌کند مناسک را انجام دهد جایز نیست از وادی «یللم» بدون احرام تجاوز کند، خواه از هر جهتی از جهات، یا از هر راهی از راه‌ها وارد شده باشد (همان: ۷۳۲/۱). بنابراین، تمام وادی از اول تا آخرش میقات است.

این قاعده مبنی بر این است که وادی‌ها مشخص باشند و حاجی هم مسیرش از وادی‌ها باشد؛ اما اگر خود وادی‌ها مسیر حاجی به سوی مکه نباشد، دیگر محاذات اعتباری ندارد، چون کسی که مسیر دورتری از میقات را می‌رود از وادی عبور نمی‌کند تا محاذات صدق کند. معتبر بودن یک مبنا و قاعده، بنا بر این است که ما به موقعیت وادی‌ها جزم پیدا کنیم که اینها مواقیت‌اند، مثل وادی «یللم» که در جنوب مکه قرار دارد و کسانی که امروزه از جنوب مکه و یمن می‌آیند قبلاً از «سعدیه» محرم می‌شدند، وقتی از ساکنان آن منطقه می‌پرسند، می‌گویند «یللم» وادی‌ای است در کنار کوه، هنگامی که سیل از کوه‌ها سرازیر می‌شود، در داخل این وادی‌های وسیع و از شرق تا غرب ادامه دارد تا اینکه آب‌هایش در دریای سرخ می‌ریزد که این وادی امروزه ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد؛ وقتی از ساکنان و اهل خبره آنجا پرسیم مشخص می‌شود که یللمی که در راه است به عنوان میقات برای اهل یمن و هر کسی که از آن طریق وارد مکه شود نامیده شده و تمام این وادی است و جایز نیست کسی که می‌خواهد مناسک را انجام دهد، بدون احرام از این وادی بگذرد (همان: ۳۳۶/۱). این قاعده، گرچه ظاهرش ساده است و انسان باید با مشاهده بفهمد، ولی تطبیق عملی‌اش مشکل است. چون وادی، به جهت عظمتش ابتدا و وسط و انتها ندارد و به حسب جریان وادی، مسافت‌ها متفاوت می‌شود، بلکه اگر همه وادی‌هایی که مواقیت در آنها است، در راه حجاج قرار داشته باشد و نام آن وادی‌ها همان نام‌هایی باشد که پیامبر (ص) به عنوان مواقیت نام برده‌اند، چه بسا بگوییم مواقیت تقریبی است و یک جهت ممکن است با جهت دیگر از نظر مسافت متفاوت باشد، ولی باید دانست که این قاعده مستلزم شناخت وادی‌ها و احاطه کامل به آنها است و اینکه ابتدا و انتهایشان کجا است؟ و همه اینها احتیاج به این دارد که فقها و علمای جغرافی و خبره آن منطقه با هم جمع شوند تا جایگاه هر میقات

و محاذات آنها را مشخص کنند. خلاصه اینکه می‌توان این مبنا را با مبنای اول، که دایره‌های میقاتی بود، در نظر بگیریم. سپس نزدیک‌ترین نقطه میقات را به دست آوریم و مسافت را از آنجا حساب کنیم و محاذات را با در نظر گرفتن هر دو قاعده ترسیم کنیم و تطبیق دهیم.

نتیجه

مختار ما در مبناها و ملاک‌ها، تلفیقی از دایره میقاتی و وادی‌های مواقیت است. به نظر می‌رسد مبنای دایره میقاتی صحیح‌ترین ملاک باشد، زیرا مبدأ محاذات حقیقی در آن مراعات شده است. در این مبنا فاصله مسافتی که از مکه تا میقات است همان فاصله از مکه تا محاذات به دست می‌آید، کما اینکه این معیار به ادله شرعی نزدیک‌تر است و ممکن است این مبنا را با ملاک و معیار محاذات به واسطه وادی‌های مواقیت تلفیق کنیم و نزدیک‌ترین نقطه در هر میقاتی را در نظر بگیریم و مسافت را از آن نقطه حساب کنیم و مجموع دو ملاک و مبنا را در نظر بگیریم و آنجا را محاذات قرار دهیم؛ ولی باید بدانیم که شناخت دقیق آن مکان‌ها، دقت کافی و لازم می‌خواهد و بررسی‌های میدانی باید صورت گیرد و کمیته‌ها و انجمن‌های ویژه‌ای باید از فقها و همچنین جغرافی‌دانان و خبرگان آن مناطق جمع شوند و تصور صحیحی را از معنای محاذات و تطبیق آن به مکان خاص ترسیم کنند. وقتی این معنا تحقق پیدا کرد می‌توان حدود مواقیت را نشانه‌گذاری کرد و مشخص کرد کسانی که داخل محدوده هستند و کسانی که خارج محدوده‌اند محاذات مواقیتشان کجا است؟ و کاملاً تعیین کرد، به‌خصوص با تکنیک‌های پیشرفته‌ای که می‌توانند مکان‌ها و مناطق مختلف را دقیقاً مشخص کنند و برای هر منطقه‌ای از مواقیت، طول و عرض جغرافیایی آن را معلوم کنند؛ و در هوایما و کشتی و ماشین هم اگر کسی قرار گرفت، علاماتی قرار داده شود که در فضا، دریا و خشکی مناطقی که نزدیک میقات است مشخص شود و محاذاتشان نیز معلوم گردد. این کار سعی و کوشش علمی و عملی شرعی و تکنیکی می‌طلبد؛ و علما در سابق ملتزم به این دقت نبودند و راه‌ها صعب‌العبور بود و از طرفی چون تکنولوژی جدیدی که

معیار و مبانی تشخیص محاذات مواقیت از منظر فقه مذاهب اسلامی / ۳۶۷

مسافت‌ها و محدوده‌ها را مشخص می‌کند، قبلاً نبود، بنابراین شناخت محاذات را به اجتهاد و تخمین و عمل به گمان کافی می‌دانستند و از همان مکانی که احتمال محاذات می‌دادند محرم می‌شدند و مجزی برای احرام می‌دانستند.

منابع

قرآن کریم

ابن اثیر الجزری، محمد بن محمد (١٣٧٨). *النهاية في غريب الحديث*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن ادریس، محمد بن احمد (بی تا). *السرائر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.

ابن براج، قاضی عبد العزیز (١٤٠٦). *المهذب*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.

ابن تیمیة الحرانی، أحمد بن عبد الحلیم (١٤٠٩). *شرح العمدة في بيان مناسك الحج والعمرة، الرياض: مكتبة الحرمين.*

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (١٤٠٨). *فتح الباری*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز (١٤١٢). *الدر المختار و حاشية ابن عابدين: رد المختار، بیروت: دار الفكر، الطبعة الثانية.*

ابن قدامة المقدسی، أبو محمد عبد الله بن احمد (١٤٠٥). *المغنی فی فقه الإمام احمد بن حنبل الشیبانی، بیروت: دار الفكر.*

ابن منظور، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم (٢٠٠٣). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر

ابن نجیم الحنفی، زین الدین (بی تا). *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*، بی جا: دار الکتب العربية الكبرى.
بجیرمی، سلیمان بن محمد بن عمر (٢٠١٠). *حاشية البجيرمي على الخطيب = تحفة الحبيب على شرح الخطيب*، بیروت: دار الفكر.

بسام، عبد الله (٢٠٠٦/١٤٢٦). *تيسير العلام شرح عمدة الاحكام، قاهره: مكتبة التابعين، الطبعة العاشرة.*
جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤٠٧). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت: دار العلوم للملايين.
حطاب الرعینی، أبو عبد الله عبد الرحمن (١٤١٦). *مواهب الجليل في شرح مختصر الشيخ خليل، بیروت: دار الفكر.*

خطیب شربینی، شمس الدین محمد بن احمد (٢٠١٠). *الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع*، بیروت: دار الفكر.

دسوقی، محمد بن احمد بن عرفة (بی تا). *حاشية الدسوقي على الشرح الكبير*، بیروت: دار إحياء الكتب العربية.

- رافعی، عبد الکریم (بی تا). فتح العزیز بشرح الوجیز = الشرح الکبیر، بیروت: دار الفکر.
- السحیبانی، عبد الله بن عمر بن محمد (۲۰۰۹/۱۲/۱۱). «النوازل فی المواقیت مکانیة»، مجلة کلیة الشریعة والقانون بجامعة الأزهر، المجلد ۱۱، العدد ۴، ص ۲۱۳-۲۳۲.
- السیوطی الرحیبانی، مصطفی بن سعد بن عبده (۱۹۹۴/۱۴۱۵). مطالب أولی النهی فی شرح غایة المتنهی، بی جا: المکتب الإسلامی، الطبعة الثانية.
- طباطبایی یزدی، سید کاظم (۱۴۱۷). العروة الوثقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۴۰۸). مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عراقی، عبد الرحیم بن حسین بن عبد الرحمن (۱۴۲۰). طرح التثریب فی شرح التقریب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علیش، محمد بن أحمد بن محمد (۱۴۰۹). منح الجلیل شرح مختصر خلیل، بیروت: دار الفکر.
- فلاحزاده، محمدحسین (۱۳۹۳). «موضوع شناسی برخی از اماکن مکة مکرمه و مدینه منوره»، در: میقات حج، ش ۸۹، ص ۶-۲۴.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۳۲۹). قاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کاظمی، علی (۱۳۹۶). مناسک محشی: شامل واجبات و مستحبات اعمال حج مطابق فتاوی هفت نفر از مراجع عالی قدر، تهران: اعلمی.
- مرداوی، علاء الدین (۱۳۷۵). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰). سلسلة النبايع الفقهية، بیروت: الدار الإسلامیة.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مقدسی، شمس الدین ابی عبد الله محمد بن مفلح (۱۴۲۴). کتاب الفروع، بیروت: عالم الکتب.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۷). تحریر الوسیلة، تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۱۱). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). مستند الشیعة فی احکام الشریعة، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- نقراوی الأزهری، أحمد بن غانم (۱۴۱۵). الفواکه الدوانی علی رسالة ابن أبی زید القيروانی، بیروت: دار الفکر.
- نووی، یحیی بن شرف (۱۴۲۵). منهاج الطالبین و عمدة المفتین، بیروت: دار الفکر، الطبعة الأولى.

٣٧٠ / يزوهش نامه مذاهب اسلامي، سال هفتم، شماره چهاردهم

نووي، يحيى بن شرف (٢٠١٠). *المجموع شرح المهذب*، بيروت: دار الفكر.
وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية الكويت (بي تا). *الموسوعة الفقهية*، مصر: مطابع دار الصفوة، الطبعة الاولى.

References

The Holy Quran.

Alish, Mohammad ibn Ahmad ibn Mohammad. 1989. *Manh al-Jalil Sharh Mokhtasar Khalil*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]

Al-Siyuti al-Rahibani, Mostafa ibn Sad ibn Abdoh. 1994. *Mataleb Awla al-Nahy fi Sharh Ghayah al-Montaha*, n.p: Islamic Library, Second Edition. [in Arabic]

Al-Sohaybani, Abdollah ibn Omar ibn Mohammad. 2009. "Al-Nawazel fi al-Mawaghit al-Makaniyah", *Journal of the College of Sharia and Law at Al-Azhar University*, Issue 11, no. 4, pp. 213-232. [in Arabic]

Araghi, Abd al-Rahim ibn Hoseyn ibn Abd al-Rahman. 1999. *Tarh al-Tathrib fi Sharh al-Taghrib*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage.

Bassam, Abdollah. 2006. *Taysir al-Allam Sharh Omdah al-Ahkam*, Cairo: Al-Tabein Library, Tenth Edition. [in Arabic]

Bojayremi, Soleyman ibn Mohammad ibn Omar. 2010. *Hashiyah al-Bojayremi ala al-Khatib = Tohfah al-Habib ala Sharh al-Khatib*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]

Dosughi, Mohammad ibn Ahmad ibn Arafah. n.d. *Hashiyah al-Dosughi ala al-Sharh al-Kabir*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]

Fallahzadeh, Mohammad Hoseyn. 2014. "Mozushenasi Barkhi az Amaken Makkeh Mokarrameh wa Madineh Monawareh (Thematics of Some Places of Mecca and Medina). In: *Starting Points of Hajj*, no. 89, pp. 6-24. [in Farsi]

Firuzabadi, Mohammad ibn Yaghub. 1950. *Ghamus al-Mohit*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]

Hattab al-Roayni, Abu Abdollah Abd al-Rahman. 1996. *Mawaheb al-Jalil fi Sharh Mokhtasar al-Sheykh Khalil*, Beirut: Al-Fekr Institute.

Ibn Abedin, Mohammad Amin ibn Omar ibn Abd al-Aziz. 1992. *Al-Dorr al-Mokhtar wa Hashiyah Ibn Abedin: Radd al-Mokhtar*, Beirut: Al-Fekr Institute, Second Edition. [in Arabic]

Ibn Athir al-Jazari, Mohammad ibn Mohammad. 1999. *Al-Nehayah fi Gharib al-Hadith (Dictionary of Hadith Terms)*, Qom: Ismailiyan Publications Foundation. [in Arabic]

Ibn Barraaj, Ghazi Abd al-Aziz. 1986. *Al-Mohazzab (Refined)*, Qom: Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Farsi]

- Ibn Edris, Mohammad ibn Ahmad. n.d. *Al-Saraer (Secrets)*, Qom: Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Farsi]
- Ibn Ghodamah al-Moghaddesi, Abu Mohammad Abdollah ibn Ahmad. 1985. *Al-Moghni fi Feghh al-Emam Ahmad ibn Hanbal al-Sheybani*, Beirut: Al-Fekr Insitute. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Ahmad ibn Ali. 1988. *Fath al-Bari*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Abu al-Fazl Jamal al-Din Mohammad ibn Mokarram. 2002. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Sader Institute. [in Arabic]
- Ibn Najim al-Hanafî, Zeyn al-Din. n.d. *Al-Bahr al-Raegh Sharh Kanz al-Daghaegh*, n.p: Great Arab Books Institute. [in Arabic]
- Ibn Teymiyah al-Harrani, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1989. *Sharh al-Omdah fi Bayan Manasek al-Haj wa al-Umrah*, Riyadh: Al-Haramayn Library. [in Arabic]
- Johari, Esmail ibn Hammad. 1987. *Al-Sehah: Taj al-Loghah wa Sehah al-Arabiyah*, Beirut: Institute of Sciences for Millions. [in Arabic]
- Kazemi, Ali. 2017. *Manasek Mohashshi: Shamel Wajebat wa Mostahabbat Amal Hajj Motabegh Fatway Haft Nafar az Maraje Alighadr (Annotated Rituals: Including the Obligations and Recommendations of Performing Hajj according to the Rulings of Seven High-ranking Scholars)*, Tehran: Alami. [in Farsi]
- Khatib Sherbini, Shams al-Din Mohammad ibn Ahmad. 2010. *Al-Eghna fi Hal Alfaz Abi Shoja*, Beirut: Al-Fekr Institute.
- Kuwaiti Ministry of Endowments and Islamic Affairs. n.d. *The Fiqh Encyclopedia*, Egypt: Dar Al-Safwa Press, First Edition. [in Arabic]
- Mardawi, Ala al-Din. 1956. *Al-Ensaf fi Marefah al-Rajeh men al-Khelaf (Fairness in Recognizing the Preferred Opinion in Dispute)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Moghaddasi, Shams al-Din Abi Abdollah Mohammad ibn Mofleh. 2003. *Ketab al-Foru*, Beirut: Books World. [in Arabic]
- Morwarid, Ali Asghar. 1990. *Selselah al-Yanabi al-Feghhiyah (Series of Jurisprudential Sources)*, Beirut: Islamic Institute. [in Arabic]
- Mostafawi, Hasan. 1989. *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim (Research in the Terms of the Holy Quran)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [in Arabic]

- Musawi Khomeyni, Ruhollah. 2006. *Tahrir al-Wasilah*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeyni's Works. [in Arabic]
- Nafrawi al-Azhari, Ahmad ibn Ghanem. 1995. *Al-Fawakeh al-Dawani ala Resalah ibn Abi Zeyd al-Ghirwani*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasan. 1894. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Naraghi, Ahmad ibn Mohammad Mahdi. 1995. *Mostanad al-Shia fi Ahkam al-Shariah (Evidence of Shiism in the Rules of Sharia)*, Mashhad: Al al-Bayt (AS) Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Nawawi, Yahya ibn Sharaf. 2004. *Menhaj al-Talebin wa Omdah al-Moftin*, Beirut: Al-Fekr Institute, First Edition. [in Arabic]
- Nawawi, Yahya ibn Sharaf. 2010. *Al-Majmu Sharh al-Mohazzab*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]
- Rafei, Abd al-Karim. n.d. *Fath al-Aziz be Sharh al-Wajiz = Al-Sharh al-Kabir*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]
- Tabatabayi Yazdi, Seyyed Kazem. 1997. *Al-Orwah al-Wothgha*, Qom: Qom: Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Association. [in Farsi]
- Toreyhi, Fakhr al-Din ibn Mohammad. 1988. *Majma al-Bahrayn (The Union of the Two Seas)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.